انتخابات آزاد یا تزیینی

زیدآبادی، احمد

به جز چند مورد استثنایی،امروزه در همه‏ی کشورهای جهان، برای تعیین زمامداران انتخابات برگزار می‏شود.امّا از نگاه‏ تحلیل‏گران،صرف برگزاری انتخابات در کشورها نشانه‏ی دموکراسی‏ در آن کشورها به شمار نمی‏رود.

انتخابات به صورتی که اکنون در جهان متداول است،یک میراث‏ غربی‏ست و هرچند که در سایر تمدن‏ها نیز نوعی رویکرد سیاسی که‏ بتوان مضمون آن را با انتخابات شبیه دانست،وجود داشته است،امّا شکل و محتوای انتخابات مرسوم در جهان امروز،بی‏شک متأثر و بلکه الگوبرداری از یک سنّت مغرب زمین است.

در دنیای غرب،انتخابات در پی پذیرش مفهومی به نام‏ «حاکمیّت ملی»از سوی دولت و ملّت پدید آمد.

طبق مفهوم حاکمیت ملی،حکومت بر مردم حق مردم است و همه‏ی اتباع کشور صرف‏نظر از تفاوت‏های سیاسی،مذهبی و قومی، از حقوق برابر برای تعیین سرنوشت خود برخوردارند.

از آن‏جا که مردم به‏طور مستقیم نمی‏توانند حق خود را برای‏ حکومت بر خود اعمال کنند،ساز و کاری به نام انتخابات ابداع شده‏ است تا مردم در فضایی امن و آزاد افرادی از هم‏وطنان خود را به عنوان نماینده‏ی خویش انتخاب کنند و مراکز تصمیم‏گیری را در اختیار آن‏ها قرار دهند.بر این مبنا،زمامداران و نهادهای مجری و قانونگزار،تنها در صورتی از مشروعیت برخوردارند که نماینده‏ی‏ اراده‏ی آزاد شهروندان کشور باشند و به هر میزان که در نمایندگی‏ آنان از سوی اکثریت مردم شبهه وارد باشد،به همان میزان از مشروعیت آن‏ها کاسته می‏شود.

بدین ترتیب روشن می‏شود که ساز و کار انتخابات،اهمیت‏ شکلی و صوری دارد و آن‏چه به آن محتوا می‏دهد،همان«اصل‏ نمایندگی»است که نباید مورد خدشه قرار گیرد.براساس اصل‏ نمایندگی،همه‏ی اتباع کشور حق دارند انتخاب شوند و انتخاب کنند و یا به بیان دیگر،گرایش‏های سیاسی،اعتقادی،قومی و جنسیّت‏ شخص نباید مانع سلب حق وی برای رأی دادن و کاندیداتوری برای‏ دستیابی به پست‏های حکومتی شود.البته در همه‏ی کشورها یک‏ سلسله شرایط کاملا صوری مانند دارا بودن حداقلی سن،سواد، سلامت و عدم ارتکاب جنایت بویژه برای کاندیداها در نظر گرفته‏ می‏شود که این شرایط مورد پذیرش عقل سلیم و اجماع عموم است.

بدین ترتیب،انتخابات مبتنی بر فلسفه‏یی‏ست که در حق‏ حاکمیت ملی و به تبع آن در اصل نمایندگی ریشه دارد و بدون توجه‏ به این فلسفه،انتخابات به صورت یک سرگرمی و امر تزیینی‏ در می‏آید.

در بسیاری از کشورهای جهان نیز،به واقع،انتخابات امری‏ تزیینی‏ست.زمامداران این کشورها به قول برنارد لوئیس همان‏طور که جامعه‏های سنّتی خود را زشت و مزاحم یافتند و به تقلید از فرنگیان کت و شلوار پوشیدند،از نداشتن پارلمان یا نهادهای انتخابی‏ دیگر نیز دچار شرمساری شدند و برای زینت حکومت‏های خود،اقدام‏ به تأسیس پارلمان و ریاست جمهوری و برگزاری انتخابات کردند.

امر زینتی همواره صوری و بدلی‏ست و جز در شکل،با اصل‏ خود همانندی ندارد.ازاین‏رو،انتخابات در بسیاری از کشورها از محتوا و فلسفه‏ی خود فاصله گرفت و مخالفان و منتقدان را به نقد آن واداشت.

درحالی‏که برخی حکومت‏ها صرف برگزاری انتخابات را دلیل‏ مشروعیت پایه‏های قدرت خود معرفی می‏کنند،منتقدان نیز با برشمردن شرایط یک انتخابات آزاد و عادلانه،ادعای آنان را به‏ چالش می‏طلبند.انتخابات اگر واقعا مبتنی بر فلسفه‏ی وجودی خود باشد،لزوما باید آزاد باشد،امّا از آن‏جا که انتخابات صوری در بسیاری‏ از کشورها معمول و مرسوم شده است،برای بی‏اعتبار دانستن این نوع‏ انتخابات،در متون سیاسی و حقوق اساسی مفهوم«انتخابات آزاد» وضع شده است تا با برشمردن ویژگی‏های آن،تفاوتش از نوع‏ فرمایشی و صوری آن روشن شود.

انتخابات آزاد به‏طور خلاصه این است که همه‏ی وجدان شرایط، بدون در نظر داشت جنسیّت،قومیّت و اعتقادات سیاسی و مذهبی‏ آنان،از حق رقابت در عرصه‏ی انتخابات و فرصت برابر برای طرح‏ دیدگاه‏ها و برنامه‏های خود برخوردار باشند و هر کاندیدایی که رأی‏ اکثریت را به خود اختصاص داد،به نهاد انتخابی راه یابد.بر این‏ اساس،در یک انتخابات آزاد،زنها،اقلیت‏های قومی و مذهبی، منتقدان و مخالفان سیاسی حکومت و دگراندیشان،از حق‏ کاندیداتوری برای هر منصبی برخوردارند و امکانات دولتی باید به یکسان در اختیار آنان برای تبلیغ برنامه‏هایشان قرار گیرد.در مقابل، رأی دهندگان نیز در یک انتخابات آزاد از جق تبلیغ برای شرکت یا عدم شرکت در انتخابات و نقد و تبلیغ هریک از کاندیداها برخوردارند.

در هر انتخاباتی که این شرایط رعایت نشود،نمی‏توان نام‏ انتخابات آزاد بر آن نهاد و این چیزی‏ست که امروزه در سطح جهان‏ پذیرفته شده و براساس آن درباره‏ی انتخابات کشورها داوری‏ می‏شود.

حماسه‏ی خرمشهر

سوم خرداد 1361،روز فتح خرمشهر را به همه‏ی‏ هم‏میهنان تبریک می‏گوییم و یاد و نام شهیدان و جانبازان این حماسه را گرامی می‏داریم و شعر خانم‏ توران شهریاری(بهرامی)را به همین مناسبت باهم‏ می‏خوانیم:

خُرّما،ای شهر خرمشهر،شهر قهرمان

ساحل اروندرود و سایه‏ی خرما بُنان

شهر شور و حال جانبازان به جنگ اهرمن

آن همه از جان گذشتن‏ها نگنجد در بیان

گاه شعر و گفته‏ها را نیست یارای سخن

در بیان جان‏فشانی‏ها فرو مانَد زبان

در چنان حالی به گوش جان و دل باید شنید

زان که گوش سر بُوَد بی‏گفته این‏جا ناتوان

از کف دشمن رها بخشیدنت آسان نبود

مام میهن بس شهید و کشته داد از بهرِ آن

خونِ پاِک لاله‏گون عاشقان بر خاک ریخت

تا تو خرمشهر ایرانفر بمانی جاودان

وارثِ فرّ ز خاطر رفته‏ی عیلام و شوش

نور چشم آن دو مام دیر سالِ مهربان

گرچه خرمشهر خونین شد به دست اهرمن

گرچه شد از جور دشمن دیدگانش خون‏فشان

با همه خونین دلی فریاد پیروزی بود

بهر تحسینش سپهر پیر بگشاید دهان

گوید:ای فرزند ایران گرچه رنجوری هنوز

دردهایت چاره گردد با پزشک کاردان

تا که هر ویرانه از نو باز آبادان شود

همتی باد فراگیرنده،دستی پُر توان

باز باید،خانه‏ها افراشت بر ویرانه‏ها

باز باید کرد آن ویرانه‏ها را گلستان

کوشش ار گردد به پا و خانه گر گردد بنا

سوی شهرش آید آن آواره‏ی بی‏خانمان

باز باید خنده بر لب‏ها شود نقش‏آفرین

باز باید غمگنان گردند از نو شادمان

باز باید نخل‏ها از هر کنارش سر کشند

مرغکان بر نخل‏های سبز گیرند آشیان

روز آزادی خرمشهر،روز خرّمی‏ست

سوم خرداد فرّخ باد بر ایرانیان